

سال‌ها باعث شده است خانم ناشر روی پای خود بایستد احترام ویژه جامعه و مخاطبان‌اش است. هیچ‌کسی او را به علت انتخاب این شغل سرزنش نکرده بلکه برعکس، با توجه به آسیب‌ها و مشکلات نشر، از حمایت مسئولان فرهنگی استان برخوردار بوده است. «من با طیف گسترده مخاطب مواجه نیستم بلکه افرادی که نزد من می‌آیند نویسندگان و پژوهشگران‌اند. آن‌ها نیز همگی از شأن و وجهه اجتماعی بالایی برخوردارند و برای بانوان ناشر احترام خاصی قائل‌اند. اصلاً در کار ما جنسیت معنایی ندارد.» همه نویسندگانی که در طول کارنامه نشر خود داشته است برایش ستودنی و قابل احترام‌اند.

✚ فضای مجازی نمی‌تواند شکستمان دهد اگر...

او فضای مجازی را باز هم قابل اعتماد نمی‌داند و معتقد است مردم هم‌چنان به کتاب اهمیت می‌دهند. «بعید می‌دانم فضای مجازی بتواند با فضای مطالعه و کتاب‌خوانی برابری و مقابله کند زیرا کتاب حق انتخاب مخاطب است که آن را با سلیقه خودش انتخاب کرده است در صورتی که مطالب فضای مجازی اغلب غیرمستند است و نمی‌تواند منبع خوبی برای ذهن کنج‌کاو و خلاق مخاطب باشد. هرچند متأسفانه مردم اغلب ترجیح می‌دهند با مطالب غیرمستند و چه‌بسا کاذب فضای مجازی اوقات خود را سپری کنند و برای مطالعه کتاب حتی چند دقیقه هم صرف نکنند. این مسئله باید آسیب‌شناسی شود.»

✚ نشر شغل زنان است اما نه با کفش پاشنه‌دار!

خانم سلطانی موافق حضور زنان در کار نشر است اما می‌گوید این کار شرایط خاص خودش را دارد و در هیچ دانشگاهی به شما آموزش نمی‌دهند چطور می‌توان در کار خود حرفه‌ای بود. تجربه اولین و آخرین معلم شماست. «برای کار نشر، اقتصاد حرف اول را می‌زند اما قبل از سرمایه، دلی بزرگ و روحیه‌ای خطرپذیر لازم است که بتوان چرخ‌های خوابیده و معلق صنعت نشر را به جلو هدایت کرد. اینکه چطور بتوانی نویسنده‌ای را که هیچ شناختی بر روی آثارش نداری بشناسی، آثارش را تحلیل کنی، سپس به جامعه فرهنگی معرفی کنی، بزرگ‌ترین تلاش فرهنگی است. مهم‌تر از آن، هم‌اکنون تهیه کاغذ راحت و ارزان قیمت است که باید در اختیار ناشر قرار بگیرد و خرید کتاب‌های نویسندگان توسط نهادهای دولتی از دیگر مسائل مهم نشر است که باید به آن پرداخته شود. برای کار نشر باید کفش آهنین به پا داشت نه پاشنه‌دار!»

✚ فرزندان هویت‌مند به ابتذال کشیده نمی‌شوند

خانم سلطانی کتاب‌خوانی را در شرایط فعلی به‌ویژه برای دخترانی که با سؤال‌های متعدد درگیرند ضرور می‌داند و معتقد است مهم نیست چقدر پرمشغله‌ای بلکه باید زمانی برای کتاب‌خواندن پیدا کنی و گرنه خود را در محاصره نادانی خواهی یافت. «شرایط کنونی جامعه می‌طلبد که بسترهای فرهنگی را قوی‌سازیم. به گفته رهبر معظم انقلاب اسلامی، ما در قبال فرهنگ مسئولیت قانونی داریم زیرا فرهنگ یک ملت است که می‌تواند آن ملت را پیشرفته، عزیز، توانا، فناور و دارای اعتبار جهانی کند. برای آغاز، باید از خانواده شروع کرد. خانواده علاقه‌مند و فرهنگ دوست هرگز اجازه نخواهد داد رشد و اعتلای فرزندان محدود بماند و پس از خانواده نقش آموزش و پرورش بسیار مهم و چشمگیر است زیرا وقتی هویت یک فرد به او شناسانده شود با کوچک‌ترین تلنگری هرگز دست به ابتذال نخواهد زد. فرهنگ در وضعیت و موقعیت کنونی جامعه ما از اقتصاد مهم‌تر است. باید ریشه‌ها و هویت اصلی خودمان را بشناسیم و برای فرزندانمان از اصالت کشورمان سخن بگوییم. فرهنگ یعنی مادر همه زیرساخت‌ها.»

به فعالیت‌ها و آثارشان است زیرا اگر خود بانوان به جایگاه ارزشمند و والای نویسندگی پی ببرند این مهم به یک ارزش تبدیل خواهد شد و دیگران نیز برای آن احترام قائل می‌شوند. سختی‌ها و مشکلات نشر در جامعه امروز بسیار فراوان و طاقت‌فرساست طوری که برخی از همکاران ناشر از شغل خود انصراف داده‌اند.

خانم سلطانی از نبود عدالت بین ناشر شهرستانی و تهرانی گلّه‌مند است و این را که چرا سعی نمی‌شود از هویت بومی و نیروی انسانی استفاده بهتر شود یکی از مشکلات امروز می‌داند. «به‌مراتب کار نشر در شهرستان‌ها و هم‌چنین مشهد سخت‌تر از تهران است. چون دسترسی‌ای که ناشران تهران به مراکز پخش و عرضه کتاب‌هایشان دارند به هیچ‌عنوان قابل مقایسه با ناشران شهرستانی برای معرفی آثار منتشره نیست. این یکی از دلایل عمده مشکلات نشر است. حتی کتاب‌فروشی‌های مشهد ترجیح می‌دهند کتاب‌های خود را با وجود بعد مسافت از تهران تهیه کنند. همان کتاب را اگر یک ناشر شهرستانی پیشنهاد دهد شاید نپذیرند. این یعنی بی‌عدالتی. هم‌چنین ناشران تهرانی به هیچ‌عنوان کتاب‌های ناشران شهرستانی را قبول نمی‌کنند و اغلب در مراودات خود با ناشران هم‌استان خود در ارتباط‌اند.»

✚ احترام ویژه جامعه به زنان ناشر و نویسنده

چیزی که در همه این

افراد زیادی وجود دارند که معتقدند چاپ کتاب روحیه‌شان را بسیار خوب کرده است.»

✚ نبود عدالت بین ناشر شهرستانی و تهرانی

بانوان ناشر در شهرستان‌ها گمنام‌تر از مراکز استان‌ها هستند. آن‌ها بیش از اینکه به دنبال تبلیغات باشند تلاش می‌کنند کتاب‌های ارزشمندی تولید کنند. «شاید بخشی از گمنام بودن بانوان ناشر متوجه خودشان باشد که نخواستند اند مطرح شوند و ترجیح داده‌اند در انزوا به سر برند. بخشی دیگر برمی‌گردد به بی‌توجهی مسئولان به جایگاه فرهنگی بانوان و نادیده گرفتن فعالیت‌های آنان که این مسئله باز هم ناشی از نداشتن اعتماد به نفس بانوان فرهیخته

